

به نام
پروردگار
یکتا

نابغه‌ها چطور بسکتبال نگاه می‌کنند؟

نیک‌گرین

ترجمه‌ی
سجاد بیات



نشر گام‌گشت



سرشناسه: گرین، نیک Greene, Nick
عنوان و نام پدیدآور: نابغه‌ها چطور بسکتبال نگاه می‌کنند؟/ نیک گرین؛ ترجمه‌ی سجاد بیات.
یادداشت: عنوان اصلی: How to watch basketball like a genius : what game designers, economists, ballet choreographers, and theoretical astrophysicists reveal about the greatest game on earth, ۲۰۲۱.
موضوع: بسکتبال Basketball – فلسفه
Basketball – Philosophy
Basketball – History
شناسه افزوده: بیات، سجاد، ۱۳۶۶ -، مترجم
رده بندی کنگره: GV۸۸۵
رده بندی دیویی: ۷۹۶/۳۲۳۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۵۰۲۷۹

نابغه‌ها چطور بسکتبال نگاه می‌کنند؟ How to watch basketball like a genius

سجاد بیات
نیک گرین



نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه‌ی رسمی از ناشر است.

/با عرض شرمندگی قیمت‌ها را در سایت گلگشت بیاپید/
/این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است/

/صفحه‌آرایی/امیرعباس صفری/
/طرح جلد/امیرعباس صفری/
/نوبت چاپ/اول/۱۴۰۴/
/تیراژ/۳۰۰ جلد/
/شابک/۹۷۸-۶۲۲-۶۴۸۹-۸۳-۶/

تلفن: ۳۳۹۸۲۸۸۸ {+۹۸۲۱}
۹۲۱۳۹۰۲۲۵۰ {+۹۸}
فکس: ۴۳۸۵۲۹۳۳ {+۹۸۲۱}

 goalgasht
 goalgasht
 goalgasht

خرید اینترنتی:
goalgasht.ir



تقدیم به دخترم ماهور
انسان کوچکی که تاب خود را به گوشه‌ی قلبم آویخت.



پیشگفتار

در جولای ۲۰۲۰، روزنامه نیویورک تایمز گزارشی منتشر کرد که نشان می‌داد ارتش ایالات متحده به تکنولوژی‌های بیگانگان دست یافته است؛ از جمله موادی که از محل سقوط UFOها به دست آمده‌اند. یک اخترفیزیک‌دان همکار پنتاگون به صورت علنی اعلام کرد که در ماه مارس، گزارشی طبقه‌بندی شده ارائه کرده که نشان می‌دهد مواد بازیابی شده از «وسایل نقلیه‌ای که در زمین ساخته نشده‌اند» بوده است. ممکن است این داستان را درباره یک جنگ سرد بین سیاره‌ای احتمالی از دست داده باشید. من خودم هم از آن خبر نداشتم. این خبر در میان تابستانی پر از بلا و آشفتگی منتشر شد و در هرج و مرج گم شد. آمریکا خسته بود. بیگانگان باید بعداً با ما تماس می‌گرفتند. تایمز یک مطلب کوتاه تکمیلی هم منتشر کرد؛ در اصل برای گفتن اینکه

«ما نمی‌توانیم باور کنیم که باید خبر بیگانگان را دوباره برای شما مردم تکرار کنیم.» این مطلب اطلاعات جدید زیادی نداشت؛ خبرنگاران بیشتر به توضیح منابع خود پرداختند: «بسیاری از همکاران برنامه پنتاگون با مجوزهای امنیتی بالا و دهه‌ها درگیری با تحقیقات رسمی UFO به ما گفتند که بر اساس دسترسی‌شان به اطلاعات طبقه‌بندی شده، متقاعد شده‌اند که چنین سقوط‌هایی رخ داده‌اند. اما خود مواد بازیابی شده و هر گونه اطلاعات درباره آن‌ها، برای هر کسی بدون مجوزها و نیاز به دانستن، کاملاً غیرقابل دسترس است.»

دقیقاً چگونه تصمیم می‌گیرند چه کسی می‌تواند نگاهی به این اشیای بیگانه بیندازد؟ من درباره مجوزهای امنیتی صحبت نمی‌کنم؛ بلکه درباره انواع خاصی از تخصص‌هایی که برای جست‌وجو در بقایای محل سقوط فرازمینی‌ها لازم است. فیزیک‌دانان و دانشمندان حتماً باید باشند زیرا آن‌ها آماده تحلیل آلیاژها، پلیمرها یا هر چیزی هستند که این مواد ممکن است باشند. اما معما فراتر از شناسایی خواص مواد است. به عنوان یک گونه، ما در این نوع مسائل بسیار تازه‌کار هستیم. من نمی‌خواهم گزینه‌های خود را محدود کنیم.

فرض کنید بیگانگان در حال نقل مکان به سیاره جدیدی بودند و یک کمد از سفینه فضایی‌شان افتاد و به زمین سقوط کرد. شاید یک توده نورانی در محل سقوط در واقع یک توده از شلوارها و لباس‌های دیگر از دنیای دیگر باشد اما ما هیچ سرنخی نداریم؛ زیرا ارتش از یک طراح مد یا تولیدکننده پارچه نخواسته نظر بدهد. آیا اخترفیزیک‌دانان پنتاگون آماده شناسایی یک جفت شلوار جالب هستند؟ این یک نگرانی مشروع است.

لحظه‌ای به سناریوی معکوس فکر کنید. انسان‌ها هیچ شیء فیزیکی را به اندازه کافی دور نفرستاده‌اند تا باور کنیم که به سیارات خانگی دیگر موجودات هوشمند برخورد خواهند کرد؛ اما سیگنال‌های رادیویی و تلویزیونی ما با سرعت کافی حرکت می‌کنند تا به هزاران سیستم ستاره‌ای نزدیک برسند.

این احتمال بسیار واقعی است که بیگانگانی که در سال‌های نوری دور زندگی می‌کنند، در حال شروع به لذت بردن از برنامه‌های قدیمی ما هستند. ممکن است آن‌ها همین الان که این متن را می‌خوانید در حال تماشای بازی ۷ فینال NBA سال ۱۹۸۴ باشند.^۱

آن بیگانگان چگونه به بسکتبال نزدیک می‌شوند؟ اگر از هم‌زمانی کیهانی شدید بگذریم که آن‌ها به طور مستقل و بدون تأثیر ما نسخه‌ای مشابه از این ورزش توسعه داده‌اند، بیگانگان هیچ تحلیلی از بازی‌ها یا بازیکنان قدیمی نخواهند داشت که به آن‌ها کمک کند بفهمند چه اتفاقی می‌افتد. آن‌ها مجبور خواهند بود که تخصص در حال توسعه خود در مورد حرکت‌ها، لی‌آپ‌های برعکس و سه امتیازی‌ها را صرفاً بر اساس مشاهده شکل دهند. امیدوارم قدرت‌های بیگانه اجازه دهند همه و نه فقط دانشمندان برجسته‌شان، بازی را تماشا کنند. بازی برای لذت همه طراحی شده است.

بسکتبال یک اختراع نسبتاً جدید است. این بازی تا اواخر قرن نوزدهم به زمین سقوط نکرد و به طور کامل شکل نگرفت. این ورزش در طول عمر کوتاه خود دستخوش تغییرات مداوم شده است. بسیاری از این تغییرات توسط افرادی ایجاد شده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را «کارشناسان بسکتبال» نامید. (به‌ویژه در روزهای اولیه، زمانی که این تمایز هنوز وجود نداشت.) با وجود شکل همیشه در حال تغییر خود، بازی همچنان جذابیت منحصربه‌فردی دارد که فراتر از طرفداری معمولی است. مثل دیسکو گرافی بیتلز یا اجرای ساندرا بولاک در فیلم Speed، بسکتبال برای تعداد زیادی از مردم بسیار جذاب است. به نظر می‌رسد که ما از درون رحم مادرمان برای پذیرش آن آماده شده‌ایم. درحالی‌که نمی‌توانم به یاد بیاورم اولین بار که بازی را دیدم کی بود، مطمئنم که قشر مغزی رشدنیافته من با گرمی واکنش نشان داد:

این باید بسکتبال باشه؛ عجب چیزیه!

من در منطقه خلیج سانفرانسیسکو زندگی می‌کنم که برای بیشتر از یک

۱- تقابل بوستون سلتیکس و لس‌آنجلس لیکرز، بزرگ‌ترین تقابل تاریخ بسکتبال. سلتیکس در این فصل قهرمان شد. بازی هفتم این سری را بهترین بازی هفتم تاریخ می‌دانند.

دهه مرکز جهان بسکتبال بود؛ به خاطر موفقیت‌های تیم گلدن استیت وریرز. اینجا همه می‌خواهند درباره بسکتبال صحبت کنند. من تمایل دارم که ورزش‌ها را برای کار پوشش دهم اما مدت‌هاست که این حوزه را با نوشتن درباره موضوعات مختلف تعادل بخشیده‌ام. در نتیجه، خود را در حال بحث درباره بسکتبال با نوازندگان هارپ کنسرت، رفتارشناسان گربه‌ها و فیزیک‌دانان پلاسمایی یافته‌ام. ابتدا این عادت را به عنوان صحبت‌های کوچک در نظر گرفتم - زمینه مشترکی برای اکتشاف قبل از اینکه به جزئیات رشته‌های مربوطه‌شان بپردازیم - اما به زودی مشخص شد که اگر خودشان انتخاب می‌کردند، ساعت‌ها درباره استف کری صحبت می‌کردیم.

این افراد مانند ورزشکاران بازی‌کننده یا نویسندگان پوشش‌دهنده ورزش فکر نمی‌کنند. به عنوان مثال، یک منتقد شراب یک بار به من گفت فکر می‌کند لبران جیمز که علاقه‌مند مشهور شراب است، می‌تواند تاکستان دار خوبی باشد؛ زیرا او یک چندکاره است که ترجیح می‌دهد به صورت دل‌خواهی وظایف را واگذار کند. و اینکه تاریخچه او با هم‌تیمی‌های ناپایدار مانند ج. آر. اسمیت^۱ در برداشت در آب‌وهوای غیرقابل پیش‌بینی مفید خواهد بود. این مدیریت تاکستان فرضی برخی از دقیق‌ترین تحلیل‌هایی بود که در تمام سال‌های پیگیری بسکتبال با آن مواجه شدم. نمره مثبت برای ویتی، منتقد شراب.

همه ما بسکتبال را به شکل متفاوتی می‌بینیم. نه تنها این درک به من کمک کرد تا به بازی‌ای که قبلاً مورد علاقه‌ام بود بیشتر توجه کنم، بلکه جرقه‌ای برای ایده این کتاب شد. اگر دیدگاه منحصربه‌فرد یک نفر درباره بازی می‌تواند به من کمک کند تا درک خود را گسترش دهم، چه چیزهای دیگری را از دست داده‌ام؟ من نایغه نیستم؛ اما به اندازه کافی می‌دانستم که فرض کنم چیزهای بیشتری برای یادگیری وجود دارد. این کتاب شما را بازیکن بسکتبال بهتری نخواهد کرد. چگونه ممکن است؟

۱- ستاره‌ای با سابقه طولانی در اشتباهات عجیب. لبران و کلیولند بازی اول فینال ۲۰۱۸ را به اشتباه عجیب او در زمان‌بندی باختند. گلدن استیت در آن فصل قهرمان شد.

نویسنده آن به سختی می‌تواند توپ را به سمت چپ دریبل کند و می‌خواهم این واقعیت شرم‌آور را از ابتدا بیان کنم تا کسی که با مهارت‌های من آشناست پیش نیاید و مرا در انظار عمومی شرمسار کند. با این حال، هنوز هم عاشق این ورزش هستم. بسکتبال به سادگی کار می‌کند. چه به صورت کامل یا به قسمت‌های مجزا تقسیم شود، بسکتبال برای همه، چیزی دارد. پرسش چگونگی و چرایی جذاب ماندن بازی را نمی‌توان از یک دیدگاه واحد پاسخ داد. NBA ممکن است هرگز یک طراح رقص باله را دعوت نکند تا مسابقه سالانه اسلم‌دانک را قضاوت کند و احتمالاً یک جادوگر تحلیل حرکات کایری اروینگ^۱ را در SportsCenter نخواهید شنید، اما این منابع شگفت‌انگیز از حکمت بسکتبالی ارزش شنیدن دارند. با این دیدگاه به دنبال برخی از باهوش‌ترین و جالب‌ترین افرادی که می‌توانستم پیدا کنم رفتم و با همان درخواست ساده نزدیک شدم: آیا دوست دارید درباره بسکتبال صحبت کنید؟

نمی‌دانم شیمی‌دانان، اساتید، کارگردانان انتخاب بازیگران، فیلسوفان و دیگرانی که موافقت کردند درباره بسکتبال صحبت کنند فکر می‌کردند قرار است درک من از چگونگی کارکرد بازی را به شدت گسترش دهند، اما هر یک از آن‌ها موفق به انجام این کار شدند. آنچه در ادامه می‌آید تلاشی است برای جمع‌آوری و قراردادن همه این بصیرت‌های کوچک در زمینه‌ای که بتوانم با شما به اشتراک بگذارم.

چه کسی می‌داند؟ اگر این کار خوب پیش برود، شاید به ما اجازه دهند تا نگاهی به آن UFOها بیندازیم.



حامد نورزاد

مارکتینگ دایرکتور کارنامه و مهندس فیزیک هسته‌ای

وقتی یک بازیکن در حال حمله است، مدافع نمی‌تواند هم‌زمان موقعیت دقیق او و تصمیم بعدی‌اش (شوت، پاس یا دریبل) را پیش‌بینی کند. اگر مدافع روی مکان بازیکن تمرکز کند، ممکن است از تصمیم او غافل شود. این همان شرایطی است که باعث می‌شود بازیکنان ماهر بتوانند با فریب‌های کوچک، دفاع را شکست دهند. در واقع، بازیکنان با ایجاد «ابهام» در حرکاتشان، از این اصل استفاده می‌کنند تا تصمیم‌گیری را برای مدافع سخت کنند.

مارکتینگ، درست مثل بسکتبال، هنر تصمیم‌گیری و تطبیق با شرایط متغیر است. در زمین بازی، بازیکنان باید دائماً تغییر پوزیشن دهند، دفاع کنند، حمله کنند و در لحظه، خود را با شرایط جدید وفق دهند. در مارکتینگ نیز،

برنده‌ها باید سریعاً به تغییرات بازار واکنش نشان دهند، استراتژی‌های خود را تغییر دهند و مشتریان را در لحظه مناسب هدف قرار دهند.

در بسکتبال، شما نمی‌توانید برای همیشه به یک تاکتیک بچسبید. تیم مقابل شما را تحلیل می‌کند و اگر شما تغییر نکنید، شکست می‌خورید. همین اتفاق در مارکتینگ هم می‌افتد. استراتژی‌هایی که امروز کارآمد هستند، ممکن است فردا جوابگو نباشند. برای موفقیت، باید مثل یک بازیکن بسکتبال عمل کنید: سریع، تحلیل‌گر، و آماده برای تغییر.

بسکتبال، مارکتینگ و کوانتوم، هر سه در یک نکته مشترک هستند: تصمیم‌گیری در دنیای احتمالات. در بسکتبال، بازیکنان باید در لحظه تصمیم بگیرند و از فرصت‌ها در زمان معنادارش استفاده کنند. این ارتباط میان بسکتبال، مارکتینگ و کوانتوم، چیزی است که باعث می‌شود هر سه حوزه برای من جذاب باشند. بسکتبال، فراتر از یک ورزش، نمادی از زندگی، علم و هنر است. بازی‌ای برای آدم‌های باهوش، تحلیل‌گر و خلاق؛ درست مثل دنیای مارکتینگ و علم فیزیک.





بخش اول شکل بازی

موضوع‌هایی که در این بخش درباره آن‌ها صحبت می‌کنیم:

- منشأ بسکتبال
- صدمات بدنی شدید
- غلات صبحانه Reese's Puffs
- بازی‌های تخته‌ای
- موی صورت
- نومی‌نالیسم
- دریبل کردن
- جادوهای نمایشی نزدیک
- تقلب

/۲۰/ نابخه‌ها چطور بسکتبال نگاه می‌کنند؟/

- سیگار کشیدن پشت به پشت
- ساعت شوت
- لاین‌های بولینگ
- قانون PBA ۱۷,۶,۲ b.
- سوپرمن
- رقص‌های مدرسه
- نقشه‌ها
- کالج کتاب مقدس Faith Baptist
- مشاوره مدیریت
- چراغ‌های راهنمایی
- موضوع‌هایی که در این بخش درباره آن‌ها صحبت نمی‌کنیم:
- منشأ نوزادان
- کنوانسیون دموکراتیک ۱۹۸۸
- ماهیگیری با مگس
- چای حبابی
- طب سوزنی
- پانگه‌آ
- هوش مصنوعی
- کلاه دوزی
- آلرژی به گندم
- خوشنویسی
- وحشت اسهال ناشی از Olestra در سال ۱۹۹۶
- نقطه چینی
- اروپا باریک استیو
- باکارا
- پلینی بزرگ

- فوگت
- پلینی جوان
- کشتی‌های ترابری
- انواع مختلف ابرها

کلاس مقدماتی

سیزده قانون اصلی نای اسمیت برای بسکتبال دو داستان کاملاً متفاوت درباره اولین بازی بسکتبال وجود دارد. در یکی از این داستان‌ها، بازی بدون هیچ مشکلی انجام شد. در دیگری، بازیکنان تقریباً کشته شدند. بررسی منابع برای ارزیابی صحت مهم است. اما اینجا تنها سردرگمی ایجاد می‌کند؛ زیرا هر دو نسخه از یک نفر می‌آید: جیمز نای اسمیت، کسی که این ورزش را اختراع کرد.

بیایید با داستان قتل شروع کنیم؛ زیرا به وضوح جالب‌تر است. در سال ۱۹۳۹، نای اسمیت برای برنامه‌ای رادیویی به نام «ما مردم» درباره تولد بسکتبال مصاحبه شد. این صدا که از آرشیو WOR-AM در سال ۲۰۱۵ کشف شد، تنها ضبط شناخته شده از صدای نای اسمیت است. او در زمان حضورش هفتاد و هفت ساله بود و صدایی پدرا نه و مهربان داشت. (متأسفانه، ۱۰ ماه پس از این مصاحبه درگذشت.) این یک اجرای نسبتاً سروشکل‌دار است و نای اسمیت داستان رام کردن کلاسی از «غیرقابل اصلاح‌ها» که وظیفه آموزش آن‌ها در مدرسه تربیت YMCA در اسپرینگفیلد، ماساچوست در ۲۱ دسامبر ۱۸۹۱ به او واگذار شده بود را برای مخاطبان استودیویی بازگو می‌کند.

ما یک طوفان واقعی نیوانگلندی داشتیم. روزها بود که دانش‌آموزان نمی‌توانستند بیرون بروند. بنابراین شروع به خشونت در راهروها کردند. سپس او توضیح می‌دهد که چگونه پس از یک تلاش ناموفق برای فوتبال داخل سالن، یک ورزش کاملاً جدید برای بازی دانش‌آموزان در نظر گرفت: بسکتبال.

چه قوانینی برای بازی جدیدتان داشتید، دکتر نای اسمیت؟
قوانین کافی نداشتم، و این جایی بود که اشتباه بزرگی کردم. پسرها شروع به تکل، لگدزدن و مشت زدن کردند. بازی به یک نزاع تمام عیار در وسط زمین ژیمناستیک تبدیل شد. قبل از اینکه بتوانم آن‌ها را از هم جدا کنم، یک پسر بی‌هوش شد، چند نفر چشمان سیاه داشتند و یکی شانه‌اش در رفت.
هیتر مجری برنامه می‌خندد و نای اسمیت ادامه می‌دهد
بعد از آن اولین مسابقه، فکر کردم همدیگر را خواهند کشت. اما آن‌ها مدام از من می‌خواستند که دوباره بازی کنند.

نای اسمیت توضیح می‌دهد که به لطف اضافه کردن چند قانون، بسکتبال به «ورزشی عالی و پاک» تبدیل شد که به زودی جهان را تحت تاثیر قرارداد. فکر می‌کنم این نشان می‌دهد که چه می‌توانید انجام دهید اگر مجبور باشید.

سپس مخاطبان به شدت تشویق می‌کنند و ارکستر او را همراهی می‌کند.
این یک داستان زنده و پر جنب و جوش است اما به سختی با آنچه که در خاطراتش نوشته سازگار است. خاطرات نای اسمیت دو سال بعد از مرگش و سه سال بعد از مصاحبه رادیویی منتشر شد:

بازی از اولین باری که توپ پرتاب شد موفقیت‌آمیز بود.
ما می‌دانیم که برخی از عناصر داستان خشونت‌آمیز مطرح شده در برنامه رادیویی توسط او درست هستند. نای اسمیت واقعاً وظیفه داشت کلاسی از پسرهای شلوغ را که «غیرقابل اصلاح» نامیده می‌شدند، فعال و سرگرم نگه دارد. معلم تربیت بدنی قبلی آن‌ها (یک اجراکننده بازنشسته سیرک) نتوانسته بود دانش‌آموزان را به تمرینات ورزشی و ژیمناستیک علاقه‌مند کند. نای اسمیت تئوری‌ای داشت که جوانان به رقابت نیاز دارند و باید غریزه‌ی بازی خود را برآورده کنند. او تلاش کرد فوتبال و فوتبال آمریکایی را برای داخل سالن تغییر دهد. اما اولی خیلی خشونت‌آمیز بود و دومی به لگدهای خطا منجر می‌شد

که مکرراً دمبل‌ها را از روی قفسه‌های دیواری می‌انداخت. (این یک «درس عملی در کمک‌های اولیه» بود، نای اسمیت در خاطراتش اینطور نوشت.) راه حل او یک بازی بود که شامل پرتاب توپ به داخل سبدهای هلو بود که به بالکن ژیمناستیک میخ شده بودند.

نای اسمیت در کتاب خود به خشونت اشاره می‌کند. او برای شروع هر بازی بسکتبال به روشی فکر کرده بود. در نوشتن درباره اختراع تیپ‌آف^۱ اولیه خود، یادآوری می‌کند که احتمال خشونت کم خواهد بود اگر او یک بازیکن از هر طرف انتخاب کند. علی‌رغم اینکه این منصفانه‌ترین روش شروع بود، او اعتراف می‌کند به شدت زیرکی پسران آمریکایی را دست کم گرفته بود. آیا ممکن است آن تیپ‌آف‌های اولیه الهام‌بخش نبرد خشن و مانند شجاع‌دل^۲ باشد که او در رادیو توصیف می‌کند؟ کتاب شامل هیچ اشاره‌ای به دانش‌آموزان بی‌هوش یا شانه‌های دررفته نیست و درحالی‌که نوشتن خوب ممکن است مختصر باشد، حذف چنین جزئیات جذابی حتی بامزه‌ترین سبک‌های مختصرنویسی را هم بی‌مزه می‌کند.

احتمال دارد نای اسمیت، در تلاش برای گفتن یک داستان سرگرم‌کننده در رادیو، خشونت‌هایی که اتفاق افتاده بود را بزرگ‌نمایی کرده و آن را به یک داستان تمثیلی درباره قوانین که صلح را تسهیل می‌کند، تبدیل کرده باشد. نای اسمیت علاوه بر اینکه معلم و پزشک بود، کشیش هم بود و می‌توان به راحتی تصور کرد که چرا چنین داستانی برای او جذابیت داشت.

بزرگ‌نمایی ممکن است به دلیل این باشد که اولین بازی بسیار خسته‌کننده بود. با نتیجه ۱-۵ به پایان رسید و دانش‌آموزی به نام ویلیام چیس^۳ تنها امتیاز را با یک پرتاب ناامیدانه از بیست و پنج فوتی^۴ به ثمر رساند. همه پرتاب‌ها یک امتیاز داشتند. کف سالن ژیمناستیک اندازه‌ای برابر با سی و پنج در پنجاه

۱- پرتاب توپ بین یک بازیکن از هر طرف برای شروع بازی.

۲- فیلمی ساخته میل گیسون که خود او در آن نقش ویلیام والاس انقلابی مشهور اسکاتلند را بازی کرد.

3- William Chase

۴- معادل ۷.۶ متر!

و چهار فوت داشت، به این معنی که اولین شوت موفق در تاریخ بسکتبال تقریباً از نیمه زمین بود. جدا از این پرابل استثنایی مانند استف کری، بازی آغازین سرشار از دست و پاچلفتی بازیکنان بود؛ اگر نگوییم کاملاً آشفته بود. هیچ کار تیمی وجود نداشت اما هر فرد بهترین خود را ارائه داد.

دانش‌آموزانش واقعاً از ورزش جدید لذت بردند. حتی اگر در آن بد بودند. به عبارت دیگر، اگر شما دسترسی به یک ماشین زمان پیدا کنید، آن را برای یک سفر به اسپرینگفیلد، ماساچوست، در سال ۱۸۹۱ برای تماشای اولین بازی بسکتبال هدر ندهید. به جای آن جایی گرم بروید. اگر واقعاً می‌خواهید شاهد تولد بسکتبال باشید، باید از تخیل خود استفاده کنید. در اینجا چند نشانه بصری کلیدی آورده شده که ممکن است به نقاشی تصویری از این لحظه خاص در نیوانگلند کمک کنند.

موی صورت فوق‌العاده از جمله تعداد زیادی سیل‌های جذاب توضیحات درباره اتفاقات اسپرینگفیلد گاهی اوقات دانش‌آموزان را کودک‌نشان می‌دهد اما آن‌ها به سختی «پسر» بودند؛ آن‌طور که نای اسمیت در مصاحبه رادیویی‌اش آن‌ها را نامید. کلاس پر از مردان جوان پرمو و اصلاح نشده در سنین دانشگاهی بود که برای کار به عنوان دبیر YMCA تحصیل می‌کردند. در دهه ۱۹۳۰، کمیته‌ای از مدیران تربیت بدنی می‌خواستند اولین بازی را در یک کنوانسیون بازسازی کنند اما نای اسمیت فکر می‌کرد پیدا کردن «هجده جوان با وضعیت مناسب صورت» در آن زمان‌های مدرن دشوار خواهد بود و اجازه نداد. آن‌ها هم باید به تخیل خود اکتفا می‌کردند.

زمین بسیار شلوغ

هر تیم ۹ نفر داشت و همه هم‌زمان بازی می‌کردند. تعویض بازیکنان تا سال بعد اختراع نشد. تعویض زمانی اختراع شد که در بازی‌ای در شهر کورنل بیشتر از ۱۰۰ بازیکن در زمین حضور داشتند. معلم آنجا مسابقه را کوتاه کرد؛ زیرا همان‌طور که نای اسمیت می‌نویسد، خطر آسیب جدی به ساختمان وجود داشت.

آن سبدهای هلو

نای اسمیت جعبه‌هایی با اندازه هجده اینچ^۱ مربعی می‌خواست اما سرپرست ساختمان YMCA تنها توانست دو سبد گرد از انبار تهیه کند. نای اسمیت آن‌ها را به نرده‌های بالکن پایین‌تر هر طرف سالن ژیمناستیک می‌خ کرد. ارتفاع آن‌ها به طور تصادفی ۱۰ فوت^۲ بود و این اندازه یکی از جنبه‌های بازی است که در طول تاریخ ورزش ثابت مانده است. (حلقه‌های مدرن، به طور تصادفی، هجده اینچ قطر دارند.)

یک نردبان کوچک که به دیوار تکیه داده شده بود

سبدها فاقد سوراخ در پایین بودند و در صورت موفقیت شوت، دستیار نای اسمیت از نردبان کوچکی برای برداشتن توپ بالا می‌رفت. شوت‌های موفق در روزهای اولیه بسکتبال نادر بود و حداقل یک مورد ثبت شده وجود دارد که یک بازیابی‌کننده توپ به دلیل خستگی از بازی سالن را ترک کرد و باعث تأخیر در بازی شد.

خود بازی

بازی ثابت بود و هیچ شباهتی به بسکتبالی که امروز می‌شناسیم نداشت. عجیب به نظر می‌رسد اما دقیقاً همین‌طور بود که نای اسمیت آن را طراحی کرده بود.

بازی نای اسمیت از یک محدودیت زاده شد. او معتقد بود که بهترین راه برای کاهش خشونت این است که از حرکت بازیکنان هنگام در اختیار داشتن توپ جلوگیری کند. او این کشف را در کتابش به عنوان لحظه‌ای الهام‌بخش که بقیه ورزش از آن زاده شد توصیف می‌کند:

روی میز کارم نشستم و با صدای بلند گفتم: اگر او نتواند با توپ بدود، نیازی به تکل نداریم؛ و اگر نیازی به تکل نداریم، خشونت حذف خواهد شد. هنوز هم به یاد دارم که چگونه انگشتانم را زدم و فریاد زدم، پیداش کردم! شما احتمالاً متوجه خواهید شد که این الهام‌بخشی در تضاد مستقیم

۱- معادل ۴۵.۷۲ سانتی‌متر

۲- معادل ۳۰۴.۸ سانتی‌متر

با روحیه بسکتبال مدرن است. در واقع، تنها چند قانون اصلی نای اسمیت ضروری یا حتی قابل اجرا برای بازی امروز هستند. قانون «عدم دویدن» تبدیل به قانون ۳ ثانیه^۱ شد و همه چیز دیگر از آن رشد کرد. حدود یک ساعت زمان برد تا نای اسمیت چارچوب اختراعش را بنویسد. فهرست قوانین را به تابلوی اعلانات سالن ژیمناستیک سنجاق کرد. قبل از اینکه غیرقابل اصلاح‌ها برای کلاس ساعت ۱۱:۳۰ صبح جمع شوند:

۱. توپ ممکن است در هر جهت با یک یا هر دو دست پرتاب شود.
۲. ممکن است در هر جهتی با یک یا هر دو دست به توپ ضربه زده شود (مشت ممنوع است).

۳. بازیکن نمی‌تواند با توپ بدود. بازیکن باید از نقطه‌ای که توپ را گرفته پرتاب کند

۴. توپ باید روی دست‌ها یا بین دست‌ها نگه داشته شود؛ بازوها یا بدن نباید برای نگه داشتن آن استفاده شوند.

۵. هیچ‌گونه شانه‌زدن، نگه داشتن، هل دادن یا ضربه‌زدن به هیچ‌وجه به شخص حریف مجاز نیست؛ اولین تخلف از این قانون توسط هر بازیکن به عنوان خطا حساب می‌شود، تخلف دوم او را تا زمانی که گل بعدی زده شود یا اگر قصد واضح برای آسیب به شخص وجود داشت، برای کل بازی، بدون جایگزینی، محروم می‌کند.

۶. خطای ضربه‌زدن به توپ با مشت، نقض قوانین ۳، ۴ و مانند آنچه در قانون ۵ توضیح داده شده است.

۷. اگر هر طرف سه خطای متوالی مرتکب شود، به عنوان یک گل برای حریفان حساب می‌شود (متوالی به معنای بدون مرتکب شدن خطا توسط حریفان در این میان است).

۱- هر بازیکن تیم مهاجم، نمی‌تواند بیشتر از ۳ ثانیه در محوطه رنگی زیر حلقه تیم حریف بماند.